

مجموعه آثار
مریم عنایت
لیلامی ری



۴۰

www.ketab.ir



© موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر

خیابان ایرانشهر جنوبی، کوچه شریف، شماره ۲

تلفن: ۸۸۲۸۹۰۳ - ۸۸۴۳۴۹۴ - ۸۸۴۴۱۷۸

www.nazarpub.com

info@nazarpub.com

۴ قد

گزیده آثار مریم عنایتی، لیلا میری | نویسندگان: محمود رضا بهمن پور، رضا عابدینی، ابراهیم حقیقی، انوشیروان نور فردی، لیلی گلستان، رضی میری | مترجم: الما بهمن پور | صفحه آرایی و طرح روی جلد: لیلا میری، مریم عنایتی | عنوان بسم‌اله: لیلا میری | عکس صفحه ۹: فائزه احمدی زاده عکس موزه جنگ: حبیب میری عکس صفحه ۷۸ و ۷۹: صادق میری عکس از زیورآلات: مصطفی میری | مدیر تولید: مهدی ابراهیم | لیتوگرافی: کحالی | امور آماده‌سازی و صحافی: چاپ و نشر نظر | سال و نوبت انتشار: ۱۳۹۴/۴/۴ | تیراژ: ۱۴۴۴ | شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۲-۱۸۸-۱ | هر نوع تکثیر، انتشار یا استفاده از تمامی یا بخشی از اثر به شکل فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و بخش، ممنوع و قابل پیگرد قانونی است.

چاپ اول:

کتاب حاضر، آثار طراحی دو طراح زن در یک کتاب نیست؛ بلکه آثار یگانه‌ی دو طراح است که محصول مشترک خود را عرضه می‌کنند. پای آثارشان دو امضا است که معنای واجدی دارد. این مقدمه‌ی کوتاه تلاش خواهد کرد تا نشان دهد که لیلا میری و مریم عنایتی با انتخابی مشترک طی نزدیک به ۸ سال سعی کرده‌اند به مفهوم یکی بودن در قالب اثر گرافیکی معنا بخشند. مریم عنایتی و لیلا میری با تفاوت‌هایی آشکار در تلقی‌ها و ذهنیت‌هایشان طی همه‌ی این سال‌ها اثری غیرمشترک نداشته‌اند. مریم عنایتی آرام و کم‌حرف است، با اندک جمله‌هایش معنای کاملی بیان می‌کند، کمتر خاطره نقل می‌کند و سعی دارد سخنانش سنجیده باشد. و با سکوت‌های فراوان فضای کافی به لیلا میری می‌دهد تا او سخن بگوید و لیلا با مدیریت کردن هر گفت و گویی خاطره نقل می‌کند و با توصیف رابطه‌ی کاری و عاطفی بین خودشان، نشان می‌دهد که عمق علاقه‌ی این دو به هم و نگاه مشترکی که طی سال‌ها به دست آورده‌اند جدی و صدمه‌ناپذیر است. جالب اینکه تفاوت‌های ساختار خانوادگی این دو نیز عاملی برای فاصله گرفتن آن‌ها از هم نشده است. لیلا میری خانواده‌ای گسترده با حضور ده‌ها عضو فعال همیشه پرشور و با جمعیت زیاد بوده است؛ اما خانواده‌ی مریم عنایتی مختصر و آرام است. او تنها فرزند خانواده است که در کنار پدر و مادر زندگی می‌کند. این تفاوت اما موجب جذابیت بیشتری برای مریم نیز بوده است تا حضور در جمع بزرگ خانواده‌ی میری او را عضوی از خانواده محسوب کند. مریم عنایتی ساده و به دور از عناصر بصری و جذاب است؛ اما لیلا میری علاقه‌ی وافری به هماهنگی رنگ لباس و آرایش دارد. با این وجود نمی‌توان کشف کرد که آیا استقلال یکی به نفع دیگری زیر سؤال رفته است یا نه. کاملاً آشکار است که هیچ‌کدام پرچم‌دار فعالیت کاری‌اشان نیست و کسی زیر پرچم دیگری قرار ندارد. درک اینکه چطور دو طراح می‌توانند با خلق یک اثر طراحانه اثبات کنند که همه‌ی آنچه تولید شده حاصل دو فکری آنها است و یگانگی موجود در اثر قابل تفکیک نیست تا حدودی نیاز به شناخت بیشتر مسیر آنها دارد. به نظر می‌آید آنها ناگفته و ظایف و توانمندی‌هایی را بین خود تقسیم و تعریف کرده‌اند. لیلا میری به خط فارسی و خوش‌نویسی تسلط دارد و در حال یادگیری بیشتر در این زمینه است و مریم عنایتی با عناصر بصری و ترکیبی

در فونت و اجرا و عمق بخشیدن به عنصر معنایی تصویر مسلط است؛ اما آنها مدام به شباهت‌های خود در رسیدن به نتیجه‌ی مشترک در کار طراحی تأکید دارند و در توصیف و توضیح فرایند کار خود اشاره می‌کنند که: «وقتی سفارش دهنده‌ای را بپذیریم و کارش را دوست داشته باشیم، تلاش می‌کنیم کار را به نتیجه برسانیم. کار را یا صحبت کردن مداوم آغاز می‌کنیم. گاهی یک روز کامل را صرف ایده‌پردازی می‌کنیم تا به نتیجه‌ی روشن و قابل‌قبولی برسیم. وقتی به ایده‌ی خاص یا المان مشخص رسیدیم، دست به کار می‌شویم. گاهی ایده‌های متضاد هم داریم اما تفوق بر دیگری یا اختلاف‌های حل‌نشده‌ی نداریم. همیشه در این سال‌ها از کارهای یکدیگر خوش‌مان آمده است. در مسیر کار تقسیم وظایف می‌کنیم، وارد اجرا می‌شویم و درباره‌ی نتیجه‌ی کار صحبت می‌کنیم تا وقتی که امضای مشترکمان را زیر پروژه یا اثر می‌گذاریم. بی‌شک همانی بوده که هر دو خواسته‌ایم.» آن‌ها تنها اختلاف خود را در نحوه‌ی برخورد با مشتری می‌دانند. لیلا میری معتقد به سخت‌گیری در گرفتن سفارش و انجام رفتاری حرفه‌ای در موضوعات مالی است، مریم عنایتی با همراهی بیشتر مایل است با مشتریان سخت‌گیری کمتری صورت گیرد. بی‌آنکه زن بودن این دو طراح در نهایت دارای اهمیت ویژه‌ای باشد؛ باید فعالیت مشترک آنها را در جامعه‌ای دید که سنت‌ها و تابوها چنین ارتباطی را با تردید و سؤال مواجه می‌کند. آنها معتقد هستند اگر با هم نبودند نمی‌توانستند تجربه‌هایشان را گسترش دهند و تمایز سلیقه‌ها و البته توانمندی‌ها موجب تفاهم و استحکام کاری شده است. نگاهی به کارهای این دو نشان می‌دهد که فعالیت مشترک، آنها را به زبانی مشترک نیز رسانده است. هر دو از شاگردان رضا عابدینی بوده‌اند و لیلا میری در دانشگاه شاگرد ابراهیم حقیقی هم بوده است. با وجود تمایز این دو استاد در تلقی و نگاه اما همواره از نقش استادان خود به نیکی یاد می‌کنند. تأثیر ابراهیم حقیقی در کار آنها بیشتر به روش و تعامل آنها با مشتری و جلب رضایت سفارش دهنده بازمی‌گردد. اما آموزش‌های رضا عابدینی بر تلقی و نگاه آنها به محصول نهایی مؤثر بوده است به همین دلیل می‌توان رد پای آموزش‌های عابدینی را در آثار آنها دید. این استاد که همواره به برهم زدن ساختارهای رایج در طراحی اعتقاد داشت به نحوه‌ی مسیر شاگردان را تغییر داد که می‌توان در تمامی آثار لیلا و مریم این تمایز و تفاوت نگاه را با آثار سایر طراحان یافت. این تأثیر از نحوه‌ی

نگرش به طراحی آغاز می‌شود و به مواد و نوع رنگ و کاغذ چاپ پیش می‌رود. آثار آنها نشان می‌دهد که تحت تأثیر نگرش‌های رضا عابدینی در تلقی از گرافیک بوده و هستند؛ با هیچ‌گاه کپی کار نشده‌اند و نگاه خود را پی‌گرفته‌اند. رد پای نگرش عابدینی در یافتن نگاه ایرانی به عناصر بصری با پرهیز از تکرار گذشته و به‌ویژه جستجوگری در عناصری مثل خط و موتیف‌های ایرانی و مبدل کردن آن به عناصری تازه در کارهای مریم و لیلا شهود است. کارهای آنها در بسیاری از موارد به خوبی از پس این چالش برآمده است. هرچه می‌توان با نگاه انتقادی به برخی از آنها هم نگریست. به نظر می‌آید مریم و لیلا در کار طراحی حرفه‌ای هستند. آن‌طور که می‌گویند زندگی آنها از محل درآمد‌های طراحی به معنای وسیع کلمه و نه صرفاً کار گرافیک تأمین می‌شود. گرچه ادعا می‌کنند گرافیک سبک زندگی آنها را تشکیل داده اما بیش از به دست آوردن پول به دنبال یافتن بیان‌های تصویری دیگر هستند. گرایش آنها به طراحی زیورآلات و جواهرات و همچنین یادگیری طراحی نقش فرش نزد رضی میری نشان از تلاش جدی برای توسعه‌ی اندیشه‌ی طراحانه زد آنها دارد. این خصیصه‌ی نادری است که به دلیل محدودیت‌های جامعه‌ی ایرانی برای آنها امتیاز قابل توجهی محسوب می‌شود. در واقع این دو در مسیر دیزاین از طراحی گرافیک به دیزاین در سایر حوزه‌ها رسیده‌اند. این حوزه‌ها اقتداری برای کار آنها فراهم آورده که نزد طراحان زن کمتر دیده شده است. پیش از نام حاضر کتاب «چارقد» که نامی غریب و دور از ذهن به نظر می‌آید، وقتی نام «آفتاب و مهتاب» برای کتاب لیلا و مریم از سوی ابراهیم حقیقی پیشنهاد شد، از لیلا میری پرسیدم کدامیک آفتاب هستید؟ لیلا بی‌هیچ مکثی گفت مریم آفتاب است و من مهتاب. شک ندارم اگر از مریم عنایتی هم سؤال می‌کردم پاسخ او مشابه بود و لیلا را آفتاب این رابطه معرفی می‌کرد. کارهای آنها مانند طراحان دیگر قابل‌ارزیابی است و نقش و جای آنها در تاریخ گرافیک و طراحی ایران و زنان طراح قابل‌تعریف است؛ اما رفتار این دو در معنا دادن به رابطه‌ی مداوم و خلق آثاری مشترک و بدون تفوق یکی بر دیگری جذاب، آموزنده و در صورت تداوم در آینده، منحصر به فرد است. شاید به همین دلیل چارقد را بتوان مضربی از عدد دو دانست که توان و ماحصل کار آنها تنها دو کار نبوده بلکه آنها با تداوم این رفتار، قد و قواره‌ای نوبرابر در جامعه‌ای که عناصر مردانه تسلط آشکاری دارد یافته‌اند. محمودرضا بهمن‌پور